

می‌توان ادعا کرد عرصه‌های بسیار و زوایای تاریک، مغفول یا کمتر توجه‌شده‌ای از مشروطه وجود دارد. هنوز بسیاری از اسناد، مدارک و رساله‌های تدوین‌شده در جریان نهضت مشروطه به چاپ انتقادی نرسیده یا اساساً منتشر نشده است.

در ارتباط با نقش شهرهای مختلف در این نهضت و اشخاص و افراد گمنام یا کمتر توجه‌شده، یا هنوز کارهای جدی و پژوهشی صورت نگرفته است



انقلاب آشکار شود. گذر زمان و بازخوانی مکرر یک پدیده در اینجا انقلاب-محققان را به شناخت جامع‌تر رهنمون می‌کند. این توجه را نزد برخی اصحاب هرمنوتیک فلسفی می‌توان ملاحظه کرد. به اعتقاد آنان گذر زمان چون شریک و همکار مخاطب و مفسر در آشکار کردن وجوه مختلف معنا یاری‌رسان خواهد بود. بر این اساس در اقیانوس زمان‌های مختلف، پدیده‌ها رخ گشوده و وجوه نهفته و مستتری از معنا را ظاهر خواهند ساخت. اگر انقلاب مشروطه را به مثابه یک متن ناتمام و گشوده بدانیم که از نظر من کاملاً این‌گونه است، در آن صورت خوانش و بازخوانی دائمی مشروطه ما را به فهم همه‌جانبه و دقیق این پدیده هدایت خواهد کرد. با این مقدمه می‌توان ادعا کرد عرصه‌های بسیار و زوایای تاریک، مغفول یا کمتر توجه‌شده‌ای از مشروطه وجود دارد. هنوز بسیاری از اسناد، مدارک و رساله‌های تدوین‌شده در جریان نهضت مشروطه به چاپ انتقادی نرسیده یا اساساً منتشر نشده است. در ارتباط با نقش شهرهای مختلف در این نهضت و اشخاص و افراد گمنام یا کمتر توجه‌شده، یا هنوز کارهای جدی و پژوهشی صورت نگرفته است. آینده‌پژوهی مشروطه‌خواهی در ایران و روایت و تفسیر مشروطه برای امروز و فردای ایران جزء کارها و حوزه‌های مهم و کمتر توجه‌شده‌ای است که نیاز به مطالعات عمیق و بنیادینی دارد. به نظرم یکی از عرصه‌های ناگفته در نهضت مشروطیت جمع‌آوری و پژوهش پیرامون تاریخ اجتماعی، مردمی، اسناد، مدارک و مکتوبات عامه مردم در آن دوره است. امروزه یکی از منابع جدی مطالعاتی در حوزه تاریخ‌پژوهی، مطالعه پیرامون تاریخ غیررسمی و مردمی است. بسیاری از نامه‌نگاری‌ها، مکتوبات و آثار ارزشمند در این حوزه بررسی انتقادی نشده است. مطالعه در این خصوص می‌تواند زوایای پنهان زیادی را آشکار کند. موضوعات مختلف دیگری نظیر مشروطه ایرانی-مشروطه جهانی، آثار و پیامدهای منطقه‌ای و فراملی انقلاب مشروطه ایران، مقایسه تطبیقی مشروطه ایران با تجربیات مشروطه‌خواهی در منطقه و جهان، ظرفیت‌های فقه سیاسی، حقوق اساسی و مدنی و ده‌ها موضوع دیگر می‌تواند مورد مطالعات جدی پژوهشگران قرار بگیرد.

و هویتی ایرانیان از عصر صفوی بود. پس چگونه می‌توان این انقلاب را ناکام و شکست خورده دانست؟ همین که بعد از یک سده هنوز از انقلاب مشروطه و آرمان‌ها و اهداف آن بحث می‌شود، حاکی از زنده و پویا بودن این انقلاب دارد. در ظاهر بعد از وقوع انقلاب مشروطه شاهد بازگشت مستبدان، قتل و شهادت مشروطه‌خواهان و نهایتاً ظهور و استبداد رضاخانی بودیم ولی در باطن با مشروطیت، آگاهی‌ها و خودآگاهی‌های عمیقی در لایه‌های اجتماعی و مدنی جامعه و توده مردم ایجاد شد.

مشروطیت با گشودن افق‌های نوینی در عرصه‌های فکری و معرفتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فضا و بستر مناسبی را برای تحول‌های بعدی فراهم کرد. اینکه حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری در بیانات متعدد خود بر عبرت‌گیری و ضرورت تأمل در مشروطیت تأکید می‌ورزند، ناشی از زنده بودن و درس‌آموز بودن این حرکت است. مجاهدت‌های نظری و عملی علما و فقهای شیعه در انقلاب مشروطه سنگ‌بنای جدی و مهمی در انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی و قانون اساسی بود. انقلاب مشروطه در عرصه فقه سیاسی و نظام سیاسی و حکومتی شیعه، تکوین دولت‌مدن و نهادهای جدید سیاسی، حقوق مدنی، اجتماعی و حق حاکمیت شهروندان، مسأله مشارکت سیاسی، نوع نگاه به توانمندی‌های زنان، تفکیک قوا و حقوق اساسی و ده‌ها مسأله دیگر توفیق‌های زیادی داشته و هنوز دارد.

◆ به نظر شما چه عرصه‌های ناگفته و پژوهش‌نشده‌ای در مطالعات مربوط به انقلاب مشروطه وجود دارد؟
شهید مطهری(ره) در یکی از آثارشان به نکته‌ای مهم و ناظر بر سوال طرح‌شده، اشاره می‌کنند: به نظر ایشان در شناخت دقیق ماهیت و ابعاد مختلف انقلاب در مرحله پیروزی و حین وقوع انقلاب خیلی از مسائل آشکار و روشن نمی‌شود. به تعبیر ایشان گردوخاک و غبار ناشی از تلاطم‌ها و مجادله‌ها، اجازه نمی‌دهد تمام ابعاد و وجوه

و تلاش‌های مجاهدانی چون ستارخان، باقرخان، علی‌مسیو و... گره می‌زند. در اینکه این شخصیت‌ها در مشروطه نقش موثر داشتند، شکی نیست ولی نیروها و جریان‌های درگیر در مشروطیت تبریز محدود به این مجاهدان نبوده و نقش پررنگ نخبگان فکری و علمی و روحانیت را نباید نادیده گرفت.

مجاهدان و مبارزان بزرگی چون ستارخان به لحاظ فکری، پیرو و تابع نظرات علما و فقهایی چون آخوند خراسانی و فقه‌الاسلام تبریزی بودند. در عین حال مجاهدت امثال ستارخان در مشروطیت ناشی از اعتقادات مذهبی و در چارچوب علایق و دلبستگی‌های ملی و میهنی بوده است.

◆ شما مشروطه را انقلابی شکست‌خورده و ناکام می‌دانید؟ می‌توان ادعا کرد که با انحراف در مشروطه، آمال و اهداف آن ابرتر ماند و انقلاب مشروطه سقط شد؟

در تحول‌ها و رخداد‌های اجتماعی و سیاسی نمی‌توان نگاه صفر و یکی داشت. بسیاری از پدیده‌ها ظاهر و باطنی یا علل بعید و قریبی دارد و در عین حال پیامدها و نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌تواند داشته باشد. بر این اساس در ارزیابی انقلاب مشروطه و نتایج آن نمی‌توان به صورت مطلق این انقلاب را موفق و پیروز یا در تمامی ابعاد شکست‌خورده و ناکام دانست. به نظر اینجانب مشروطیت و حرکت مشروطه‌خواهی ایرانیان حوالتی تاریخی و مقدر بود که با اراده و تدبیر نیاکان ما در مقطعی که باید رخ می‌داد، واقع شد. انقلاب مشروطه، انقلابی ناتمام و حلقه‌ای واسط و ارتباط‌دهنده میان گذشته تاریخی و مسیر فراروی ایرانیان بود. بنابراین اگر این انقلاب رخ نمی‌داد شاید مسیر تحول‌های بعدی تا انقلاب اسلامی با مشکلات و گسست‌های فراوانی روبه‌رو می‌شد. انقلاب مشروطه پیش‌زمینه و درآمدی بر طلوع انقلاب اسلامی بود. از طرف دیگر این نهضت در تداوم مسیر تاریخی